



انسان در قرآن

قسمت ششم

در مقالات قبلی گفتیم که آیات متعددی از قرآن شریف دلالت بر آفرینش اولین انسان از خاک دارد که ما دو مورد از آن را ذکر کردیم و در مفاد آیه‌ای که تصور می‌شد، غیر از این معنی را می‌رساند بحث کردیم، اینک در این مقاله بعضی دیگر از آیاتی را که در مورد آنها نیز چنین توهمی شده است آورده و موهون بودن این تصورات درباره آنها را یادآور می‌شویم.

□ ۲- مورد دیگری از آیات شریفه قرآن که گفته شده با آفرینش نخستین انسان از خاک تهافت داشته و سازگار نیست و منطبق با نظریه تکامل انواع است، آیات شریفه اول سوره دهر است:

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً - إنا خلقنا الإنسان من نطفة أمشاج نبتليه فجعلناه سميعاً بصيراً.

آیا آمده (گذشته) است بر انسان زمانی از روزگار که وی چیزی که از او یادی شود نبود - همانا ما انسان را از نطفه‌ای مختلط آفریدیم که بی‌زمانیم او را پس او را شنوا و بینا قرار دادیم.

بیان ناسازگاری

شکی نیست، هدف از استفهامی که آیه اول با آن شروع شده است واقعاً



سؤال نیست بلکه غرض اصلی از آن، خبر دادن از گذشت چنین زمانی بر انسانست که در قالب استفهام آمده، تا از وجدان شنونده که قطعاً جواب مثبت به این سؤال می‌دهد، مدد گیرد و مطلب، بهتر جا بیفتد و اینگونه استفهام‌ها به حسب اصطلاح ادبی استفهام تقریری نامیده می‌شود.

به هر حال آیه اول دلالت می‌کند که برانسان، روزگاری گذشته است که در آن زمان چیزی که از او یادی به میان آید، نبوده است، یعنی چیزی بی‌ارزشی بوده و در حدی که جلب نظر نموده و از آن یادی شود، نبوده است.

در آیه دوم می‌فرماید: «ما انسان را از نطفه‌ای که خود مختلط از چند چیز است، آفریدیم تا وی را بیازمائیم» و کلمه انسان در این آیه مانند آیه سابق، شامل نوع انسان بوده و با عمومیتی که دارد شامل هر فردی از افراد انسان می‌شود، خواه نخستین انسان باشد یا خیر، در این صورت آیه شریفه دلالت دارد که نخستین انسان نیز از نطفه آفریده شده است و کلمه نطفه اگرچه در لغت به معنای آب و یا هر آب کمی آمده است، اما با توجه به آیات مشابه مانند آیه شریفه:

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى— أَلَمْ يَكُ نَظْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنَى^۱

آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود— مگر او نطفه‌ای خلق شده از منی که تقدیر الهی به آن تعلق می‌گیرد نبود.

و نیز با توجه به انصراف خود لفظ نطفه، ظاهر آن همان نطفه‌ای است که در رحم مادر بسته می‌شود.

بنابراین آیه شریفه دلالت می‌کند که همه انسانها و حتی نخستین انسان نیز از نطفه و در رحم مادر آفریده شده است و شاید مراد از زمانی که انسان در آن، چیز قابل ذکری نبود— و در آیه اول آمده است— همین مراحل نطفه و یا علقه بودن و امثال آن باشد.

به هر حال آیه شریفه دلالت دارد که نخستین انسان نیز از نطفه و در رحم آفریده شده و با آیاتی که مبدأ نزدیک آفرینش او را خاک و گل دانسته، سازگار

.....

۱— سوره قیامت، آیه ۳۶— ۳۷.



نیست و با این بیان روشن می‌شود که تمام آیاتی که دلالت بر آفرینش انسان از نطفه دارد به جهت اطلاق لفظ انسان در آنها، شامل نخستین انسان نیز می‌شود مانند آیات شریفه:

قَتِيلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ - مِنْ آتَى شَيْءٍ خَلَقَهُ - مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ.^۲

مرده باد انسان، چه چیز او را ناسپاس نموده است - (مگر) خداوند او را از چه چیزی آفریده است؟ - او را از نطفه ای آفریده و سپس دارای حدود مشخصی ساخته است.

پس این سری آیات با آیاتی که دلالت بر آفرینش انسان نخستین از خاک و گل داشته، ناسازگار بوده و با نظریه تکامل انواع، انطباق کامل دارد.^۳

پاسخ شبهه

شاید بیانی را که برای توجیه ناسازگاری این آیات با آیات گذشته نمودیم، بهترین بیانی باشد که بتوان برای اثبات این نظریه، ارائه کرد حتی در نوشته های طرفداران دلالت این آیات بر ثبوت فرضیه مذکور، بیانی به این استحکام و دقت دیده نشده است، ولی در عین حال با کمی تأمل، بی‌پایگی این بیان روشن می‌شود زیرا:

اولاً: به دلیل این که مخاطب این آیات، جامعه انسانی موجود است و تمامی آنان از طریق انعقاد نطفه در رحم مادر خلق شده‌اند، لذا عنوان «انسان» که در این آیات بکار می‌رود انصراف به مانند همین افراد موجود انسان دارد و شامل نخستین انسان - که هزاران سال از پیدایش و مرگ او می‌گذرد - نمی‌شود و سر مطلب این است

۲ - سوره عبس، آیه ۱۷ - ۱۹.

۳ - همانگونه که ملاحظه شد استدلال به این قبیل آیات با حفظ اینکه معنای نطفه همان ابتداء پیدایش انسان در رحم مادر باشد، صورت گرفته است.

ولی اگر گفتیم که نطفه، به معنای آب کم می‌باشد، در این صورت این آیات هیچگونه ناسازگاری با آیات گذشته - که دلالت بر آفرینش نخستین انسان از خاک دارد - نخواهد داشت، زیرا در این صورت معنای آیات این می‌شود که آفرینش انسان بطور کلی از آب کمی صورت گرفته و چون خصوصیت این «آب کم» بیان نشده، به موجب اطلاقی که دارد، ممکن است در مورد نخستین انسان، منطبق بر آبی باشد که در ساختن گلی وجود او بکار رفته است ولی در مورد افراد دیگر که نسل او هستند، منطبق بر نطفه ای باشد که در رحم مادر منعقد می‌شود. جای تعجب است بعضی از آنان که به این قبیل آیات برای اثبات فرضیه تکامل انواع استدلال کرده‌اند اصرار بر این دارند که کلمه نطفه به معنای آب کم گرفته شود.



که این آیات در مقام تحقیق یک مسأله علمی و پرده برداشتن از اسرار عالم وجود در مورد انسان نیست، بلکه تمام هم این آیات، یادآوری بی ارزش و ناچیز بودن مبدأ آفرینش انسانها است تا از آن مثلاً بر عظمت قدرت نامتناهی خداوند بزرگ استدلال نموده و امکان مسأله معاد را روشن سازد و یا انسان را از خود بزرگ بینی و ناسپاسی بازداشته، به عبادت خدا و خشوع در برابر او سوق دهد. و چون این تعلیم و تربیت ها را برای مخاطبین آیات که انسانهای موجود در آن زمان است می خواهد، از این جهت با یادآوری مبدأ آفرینش خود آنان، راه هدایت و تربیت شان را هموار می سازد، یادآوری مبدأ آفرینش موجود دیگری بنام انسان نخستین که هزاران سال قبل به دنیا آمده و در گذشته است برای تأمین اهداف این آیات — لا اقل — چندان مؤثر نیست.

و ثانیاً: بر فرض این که موضوع سخن این قبیل آیات به خودی خود کاملاً روشن نبوده و احتمال داشته باشد که شامل انسان نخستین باشد، شکی نیست که بوسیله کناره هم قرار دادن آیات ۸-۷ از سوره سجده: **وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ - ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ** و آیات مورد بحث، ابهام به کلی برطرف می شود، زیرا آیات ۸-۷ از سوره سجده به صراحت و روشنی میان انسان و نسل او فرق گذاشته و می فرماید: این نسل انسان و فرزندان او است که از چکیده آب پست — همان نطفه موجود در رحم — آفریده شده، نه انسان نخستین، که از گل بوجود آمده است، بدین ترتیب روشن می شود که مقصود از عنوان انسان در آنها، همان انسانهای موجود در زمان نزول آیات و مانند آن است که همگی، نسل انسان و مبدأ آفرینش آنان، انعقاد نطفه در رحم مادر بوده است.

خلاصه سخن اینکه عنوان انسان در این سری آیات، شامل نخستین انسان نمی شود، بنابراین با آیات گذشته هیچگونه ناسازگاری ندارد.

□ ۳ - یکی دیگر از آیاتی که در مورد آن نیز این توهم شده است، آیات ۷۱ و

۷۲ از سوره «ص» می باشد که می فرماید:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ - فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن

.....

۴ - ... و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد — سپس ادامه نسل او را در چکیده آب پستی قرار داد.



رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.

هنگامی که پروردگارت خطاب به ملائکه گفت: همانا من بشری را از گِل می‌آفرینم — وقتی (جسم) او راهمانگ نموده و در آن از روح خود دمیدم، در مقابل او به حالت سجده درآئید.

بیانی که برای توجیه توهّم مذکور در این آیات شده، چنین است: اگر از لفظ «بشراً» شخص حضرت آدم اراده شده باشد، قهراً آیات یاد شده، مربوط به او بوده و ارتباطی به نوع بشر نخواهد داشت، زیرا موضوع این آیات نقل داستان آدم و آفرینش وی و دستور به سجده ملائکه برای او می‌باشد. ولی اگر مقصود، نوع و طبیعت انسان باشد، معنای آیه این است که این نوع که نوع بشر است از گِل آفریده شده است و آفریده شدن آن از گِل، اشاره به همان مطلبی دارد که پیروان نظریه تکامل به آن معتقدند، که ماده اولیه حیات از لابلای گِلهائی که در لجن زارها و مرداب‌ها به صورت لجن درآمده، پیدا شده است، بدین ترتیب که حیوانات زنده رده پائین از این لجن‌ها بوجود آمده و پس از طی مراحل گوناگون و تکامل فراوان، انسان پیدایش یافته است. و چون کلمه بشر به معنای انسان است و تنوین (أ) — که به اصطلاح ادبی تنوین صرف و تمکّن است — به دلیل معرب و منصرف بودنش به آن افزوده می‌شود، بنابر این مراد همان نوع و طبیعت انسان است. در این صورت معنای آیه چنین می‌شود که: «همانا من بشر را از گِل می‌آفرینم» و این همان آفرینش نوع بشر از گِل است که با نظریه تکامل منطبق می‌باشد.

پاسخ

با مختصر دقت و تأمل، بی‌پایگی این توهّم — بلکه می‌توان گفت دلالت نداشتن آیه بر صحت فرضیه مزبور — روشن می‌شود، زیرا:

اولاً: تنوین بشراً اگرچه تنوین تمکّن است، اما ظاهر الفاظ غیر مشتقی که دارای تنوین هستند — خصوصاً در مواردی که خبر مبتدا نباشند — این است که مقصود از آن، یک فرد از افراد مفهوم آن بوده و دلالت بر وحدت دارد و این تنوین به منزله یا وحدت است که در فارسی بکار می‌رود، ملاحظه کنید: معنای «جَاءَ رَجُلٌ»، مردی آمد و معنای «رَأَيْتُ رَجُلًا»، مردی را دیدم، می‌باشد. بنابراین معنای اِنِّي خَالِقُ بَشَرًا،



«همانا من بشری را می‌آفرینم» خواهد بود و در نتیجه معنای آیه این است که خداوند متعال از آفرینش یک فرد از افراد بشر — به ترتیب مذکور در آیه — خبر می‌دهد، نه از آفرینش نوع بشر و اگر از خارج معلوم شود که این فرد، اولین فرد از افراد بشر بوده است — کما اینکه چنین است — در نتیجه، آیه، مربوط به آفرینش نخستین انسان می‌شود.

وثانیاً : اگر بپذیریم که: مقصود از کلمه بشراً در آیه شریفه، نوع بشر باشد باز هم ارتباطی به فرضیه تکامل نخواهد داشت، زیرا در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: «هنگامی که پروردگارت به ملائکه گفت همانا من بشر را از گِل می‌آفرینم...» خداوند متعال، خبر از اقدام به آفریدن بشر از گِل می‌دهد و مراد از بشر اگرچه نوع بشر است نه یک فرد آن، اما در هر حال آفرینش نوع، با آفریدن فرد یا افراد محقق می‌شود، زیرا تحقق طبیعت و نوع، بوجود افراد آن است که با وجود یافتن حداقل یک فرد، آن نوع موجود می‌شود، بنابراین اگر به دنبال گفتن این جمله یعنی اِنِّیْ خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِیْنٍ اقدام به آفریدن یک فرد از این نوع بنمایید، معنای آیه صدق نموده و نوع بشر از گِل آفریده و موجود می‌شود.

و چون آیات قبلی به طور صریح دلالت نمود که نخستین انسان و آدم ابوالبشر — بطور غیرعادی — از گل و خاک آفریده شده، در این صورت هیچگونه معارضه و ناسازگاری میان آیات موجود نبوده و هیچگونه اشاره‌ای در آیات سوره «ص» به صحت فرضیه تکامل وجود نخواهد داشت.

لازم به تذکر است که به آیات دیگری نیز که مشابه آیات سوره «ص» است برای صحت فرضیه تکامل استدلال شده است — مانند آیه ۲۸ سوره حجر که می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ

چون بیان استدلال و پاسخ به آن عیناً نظیر همان است که در آیه سوره «ص» گذشت، لذا متعرض تفصیل آن نمی‌شویم.

□ ۴ — یکی دیگر از این آیات، آیه ۳۰ از سوره انبیاء است که خداوند فرموده

است:

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

و ما هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم.



و شبیه این آیه، آیه ۴۵ از سوره نور است که فرموده است:

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفریده است.

بیان استدلال

نحوه استدلال با این آیات برای اثبات صحت فرضیه تکامل اینگونه است که خداوند فرموده است: ما هر موجود زنده و یا هر جنبنده‌ای را از آب آفریدیم و عنوان موجود زنده و یا جنبنده، شامل انسان نیز می‌شود، پس این آیات بطور روشن دلالت دارد که تمام جنبندگان و موجودات زنده که انسان هم یکی از آنها است از آب آفریده شده‌اند و این همان مبدأ خلقت در فرضیه تکامل است که پیدایش حیات را ناشی از آب و گل‌های مردابها و لجن‌زارها می‌داند، و این معنی با این فرضیه که مبدأ آفرینش انسان خاک و گل باشد، سازگار نیست.

پاسخ

آنچه این آیات شریفه بر آن دلالت دارند، این است که هر موجود زنده‌ای و هر جنبنده‌ای از آب آفریده شده است و تفاوت این آیات با آیات گذشته که برای اثبات این توهم، به آنها نیز استناد شده، این است که آن آیات، روی عنوان انسان و بشر — به صورت طبیعت و جنس — حکم نموده بودند ولی این آیات به صورت عموم و استغراق، حکم خود را بیان فرموده است که هر جنبنده و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم، بنابراین بدون هیچ شک و شبهه‌ای این آیات، شامل تک تک افراد بشر و یا حیوانات دیگر می‌شود و می‌فرماید: هر یک از آنها را از آب آفریدیم و با وجود این عموم و شمول و با توجه به اینکه غیرماده آب نیز دخالت در زندگی حیوانات و همچنین انسان دارد، آیا معنای این آیات جز این خواهد بود که حیات و زندگی همه جنبندگان و جانداران وابستگی کامل به آب دارد، بنابراین، این آیات متعرض ابتداء پیدایش انواع جنبندگان و جانداران نیست تا اشاره‌ای به صحت فرضیه مذکور داشته باشد بلکه می‌خواهد این معنی را تفهیم کند که موجودات زنده، وابستگی کامل به آب دارند و



هیچ منافاتی با اینکه نخستین فرد انسان و یا سایر حیوانات، بطریق غیرعادی از همان ابتداء به صورت انسان آفریده شده باشد، ندارد. با ذکر این چند آیه که بنظر، مناسبترین آیاتی بودند که توهم دلالت آنها بر صحت فرضیه تکامل می رفت به بخش اول از این آیات خاتمه می دهیم.

ب : آیات دسته دوم

منظور از این آیات آیاتی است که ابتداء متعرض کیفیت آفرینش انسان نیست بلکه متعرض بیان جهات دیگری است ولی تصور شده است که از مضمون این آیات به تنهایی و یا ضمیمه نمودن آن به معلومات دیگر، چنین استفاده می شود: که حضرت آدم نخستین انسان نبوده است، و در این صورت با آیات گذشته که حضرت آدم را نخستین انسان معرفی می کنند — که بطور غیرمتعارف از خاک و گل ساخته شده است — ناسازگار می نمایند.

از این دسته ما تنها به دو آیه برخورد کرده ایم که برای روشن شدن اذهان متعرض آن دو می شویم.

آیه اول

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝٥

همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر همه جهانیان برگزید.

بیان معارضه

این آیه شریفه بطور صریح فرموده است که خداوند متعال عده ای از انسانها را که یکی از آنها حضرت آدم است از میان جهانیان انتخاب نموده و برگزیده است، و «اصطفاء» به معنای انتخاب نمودن و برگزیدن شیء یا فرد مورد نظر بوده و به شیوه برگزیدن فرد از میان افراد و جمعیت های همسان و همنوع او صورت می گیرد، بنابراین، نوح و برگزیدگان دیگری که در آیه از آنان نام برده شده است از میام قوم خود یعنی

.....
۵ - آل عمران / ۳۳.



مردمی که با آنها زندگی می‌کرده‌اند، انتخاب شده‌اند و چون آدم نیز در کنار دیگر برگزیدگان مذکور در آیه شریفه قرار دارد و شرایط خاصی برای او ذکر نشده است، پس او هم به موجب معنای ظاهر آیه، از میان هم‌نوعان خود که با او میزیسته‌اند انتخاب شده است، پس او نیز با دیگر افراد نوع خود زندگی می‌کرده است، بنابراین وی نیز خلقتی مؤخر نسبت به پیدایش اولین انسان داشته است و وقتی این آیه کنار آیاتی قرار گیرد که دلالت بر نخستین انسان بودن آدم داشت، معارضه و تهاافت بین معانی این دسته از آیات روشن می‌شود.

پاسخ شبهه

استدلال به این آیه شریفه به منظور اینکه آدم نخستین انسان نبوده است از چند جهت مغالطه آمیز است.

۱۵ - از این نظر که این آیه شریفه در زمان ظهور اسلام - که هزاران سال بر پیدایش انسان و زندگی افراد آن در روی زمین می‌گذشته - نازل شده است و بالطبع تعبیراتی که از مسائل گذشته می‌نماید در موقعیتی است که میلیون‌ها فرد انسان در جهان بوجود آمده و زندگی نموده‌اند، در چنین موقعیتی قرآن می‌فرماید: «خداوند آدم را از میان همه افراد بشر انتخاب نموده است» و روشن است که این تعبیر به بیشتر از این محتاج نیست که هنگام تعبیر، افرادی از بشر بوجود آمده باشند، اما اینکه این افراد همه با هم بوجود آمده‌اند و یا تقدیم و تأخیری در پیدایش شان بوده، یا اینکه حتی بعضی آنها نخستین فرد انسانی بوده‌اند یا نه؟ احتمالاتی است که هر کدام از آنها با این تعبیر سازگار است، بنابراین آیه شریفه، هیچگونه دلالت خاصی بر مؤخر بودن آفرینش آدم از پیدایش نوع انسان نخواهد داشت.

و خلاصه سخن اینکه: خصوصیتی که در تعبیر بکار رفته در رابطه با زمانی است که این تعبیر در آن زمان انجام شده است نه به ملاحظه زمانی که برگزیدگان در آن زمان زندگی می‌نموده‌اند، و این نقطه، منشأ اشتباه استدلال کننده شده است.

۲۵ - این اصطفااء نسبت به العالمین که همه جهانیان است انجام گرفته و معلوم است که همه جهانیان در یک زمان نمی‌زیسته‌اند و همه آنان در زمان آدم یا نوح یا خاندان ابراهیم و یا خاندان عمران نبوده‌اند، بلکه در طول زندگی بسیار طولانی نوع



بشر به تدریج بوجود آمده و هرکدام در نوبه خود زندگی نموده و یا خواهند نمود، و این «اصطفاء» نسبت به دسته خاصی از مردم که با این برگزیدگان می‌زیسته‌اند نیست، و همین نکته نیز منشأ اشتباه استدلال کننده شده است، او چنین تصور نموده که این اصطفاء و انتخاب، تنها نسبت به مردمی که برگزیدگان مورد بحث با آنها زندگی می‌کرده‌اند، انجام گرفته است در صورتی که همانگونه که گفتیم و کلمه العالمین بر آن دلالت دارد، این انتخاب، از میان همه افراد انسانها صورت گرفته است که قهراً در یک زمان بایکدیگر زندگی نمی‌نمایند و در نتیجه پایه مست این استدلال به کلی فرو می‌ریزد.

□ ۳ - اگر بپذیریم که تعبیر آیه به ملاحظه همان زمانی است که اصطفاء در آن انجام گرفته و نیز بپذیریم که این «اصطفاء» نسبت به افراد قوم و هموعانی است که با برگزیدگان، زندگی می‌کرده‌اند باز هم استدلال به آیه شریفه صحیح نیست: زیرا مفهوم اصطفاء بیش از این نیاز ندارد که در هنگام «اصطفاء» شخص برگزیده با افراد دیگر هموع خود می‌زیسته است و به هیچ وجه نیازی به این جهت نیست که همه با هم بوجود آمده باشند، بلکه ممکن است یکی از آنها - مثل شخص برگزیده - قبلاً و حتی به عنوان نخستین فرد این نوع بوجود بیاید و پس از مدتی افراد دیگری بوجود بیایند و سپس در میان آنان اصطفاء انجام گیرد، بنابراین لازمه اصطفاء آدم این نیست که وی نیز خلقتی مؤخر به پیدایش اولین انسان داشته باشد.

آیه دوم

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ الْتَّبِينَ قُبَيْرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَاطَبَ فِيهَا النَّاسَ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.

مردم، امت واحدی بودند پس خداوند پیامبران را برای بشارت و بیم دادن برانگیخت و همراه آنان کتابی که راه درست و شایسته زندگی را نشان می‌داد فرستاد تا به آنچه که مردم در آن اختلاف دارند فیصله بدهد.

بیان معارضه

جمله نخستین این آیه شریفه **كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً** دلالت دارد که در برهه ای از زمان، مردم امت واحدی بوده‌اند و چون جمله دوم آن **(بَقَعَ اللَّهُ التَّبِينَ)** با

.....

۶ - بقره / ۲۱۳.



حرف عطف «فاء» که دلالت بر مؤخر بودن مضمون ما بعد آن از ما قبل آن دارد، آمده است، بنابراین معنای جمله دوم این است که: پس از آن خداوند، پیامبران را به پیامبری مبعوث فرموده است، در نتیجه از آیه شریفه چنین بدست می‌آید که برهه‌ای از زمان بر مردم گذشته است که طی آن هیچ پیامبری در میان آنان مبعوث نشده بود. و از طرفی دیگر بعضی از روایات دلالت دارند که حضرت آدم از همان اولین زمان آمدنش بر روی زمین، پیامبر بوده است، به کمک این روایات از آیه شریفه می‌توان چنین برداشت کرد که قبل از حضرت آدم انسانهایی در روی زمین زندگی می‌کرده‌اند که آدم برای حل اختلاف آنان و حکمیت در آنچه اختلاف دارند، در میان آنان برانگیخته شده است و این مطلب با اولین انسان بودن او ناسازگار است.

پاسخ شبهه

با کمی تأمل در الفاظ آیه شریفه روشن می‌شود که آنچه را آیه شریفه می‌فرماید این است که: برانگیخته شدن انبیاء برای حل اختلاف مردم و حکم کردن در موارد اختلاف آنان، پس از گذشتن برهه‌ای از زمان بوده است که مردم در آن زمانها امت واحدی بوده‌اند، و اما اینکه اصل ارتباط معنوی پیامبران با عالم غیب و تماس با آنان به توسط وحی که مبنای نبوت آنها است، در چه زمانی پیدا شده است، این مطلبی است که آیه از بیان آن ساکت است و آنچه را به کمک روایات می‌توان برای حضرت آدم در ابتدای فرود آمدنش بر زمین اثبات کرد، اصل نبوت و ارتباط معنوی با عالم غیب است و آنچه بنا به مدلول آیه شریفه بعد از گذشتن برهه‌ای از زمان که مردم در آن زمان امت واحدی بوده‌اند انجام شده است، مسأله دستوریافتن به حل اختلاف مردم و برانگیخته شدن آنان بر مبنای این هدف است، و هیچ مانعی نیست که آدم علیه السلام از همان ابتداء قرار گرفتن در روی زمین، صفت نبوت را داشته باشد ولی بعد از گذشت مدتی، فرمان اقدام برای حل اختلافات مردم با او داده شود.

نتیجه بحث

بنابر این از سخنان گذشته استفاده می‌شود که آیات متعددی از قرآن کریم دلالت دارند که مبدأ آفرینش انسان نخستین، خاک و گل بوده است که بطور غیرمتعارف به صورت انسان درآمده است و هیچ آیه‌ای از قرآن کریم برخلاف این معنی دلالت ندارد.